

نقش الگوواره تحکیم حسابداری دادگاهی در تغییر رویکرد افشای ریسک شرکت‌های بازار سرمایه: بسط نظریه همولوژی جهت نمادگرایی ادراک سرمایه‌گذاران

محمد حسین لیبب‌زاده^۱

رضوان حجازی^۲

اله‌کرم صالحی^۳

فرشین هرمزی نژاد^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

چکیده

با توسعه بازارهای سرمایه، انتشار اطلاعات ریسک شرکت‌ها به عنوان یک مسئولیت مهم برای شرکت‌ها در بازار رقابتی در نظر گرفته می‌شود که به سهامداران و سرمایه‌گذاران در اتخاذ تصمیم‌های اثربخش تر در بازار کمک می‌نماید. اما به دلیل فقدان وجود هنجارها و اقدامات شرکت‌ها در خصوص افشای ریسک، امروز سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه به دید تردید می‌نگرند. در این شرایط توسعه نمادهای ادراکی در سرمایه‌گذاران در قالب نظریه‌های فرهنگی؛ اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد تحکیم الگوواره‌ی حسابداری دادگاهی محسوب می‌شود که به تقویت اثربخشی جذاب سرمایه‌گذاری‌های بیرونی در بازار سرمایه می‌تواند کمک نماید. هدف این پژوهش بررسی تاثیر الگوواره تحکیم حسابداری دادگاهی در تغییر رویکرد افشای ریسک شرکت‌های بازار سرمایه با توجه به بسط نظریه همولوژی جهت نمادگرایی ادراک سرمایه‌گذاران می‌باشد. این پژوهش از نظر از نظر هدف، کاربردی و از حیث نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی می‌باشد که به دلیل مطالعه داده‌های مربوط به یک مقطع زمانی خاص، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت مقطعی و مبتنی بر روش تحلیل مسیر/حداقل مربعات جزئی است. در این پژوهش به منظور سنجش متغیر برونزا یعنی الگوواره حسابداری دادگاهی، از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است و برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به افشای ریسک براساس دو معیار حاضر، از داده‌های شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردید. جامعه آماری تعداد ۱۰۲ نفر از مدیران عامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که در دوره زمانی یکساله مورد بررسی قرار گرفتند. پس از اطمینان یافتن از برازش قابل قبول مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، مطابق با بسط نظریه همولوژی جهت نمادگرایی ادراک سرمایه‌گذاران، نتایج نشان داد، الگوواره تحکیم حسابداری دادگاهی بر رویکرد افشای ریسک شرکت‌های بازار سرمایه تاثیر مثبت و معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: بسط نظریه همولوژی جهت نمادگرایی ادراک سرمایه‌گذاران؛ الگوواره تحکیم حسابداری دادگاهی؛ افشای ریسک.

۱- دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲- استاد تمام مدعو، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران/گروه حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

۳- استادیار، گروه حسابداری، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجد سلیمان، ایران

۴- استادیار، گروه آمار، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۱- مقدمه

با تغییر ماهیت بازارها و افزایش سطح رقابت در بازارهای سرمایه، سرمایه‌گذاران؛ سهامداران و تحلیلگران، امروزه ارزش و اهمیت زیادی برای کیفیت و شفافیت برای صورت‌های مالی قائل هستند، چراکه این عوامل را لازمه محافظت از منافع خود تلقی می‌کنند (کامرادین و همکاران^۱، ۲۰۲۰). در واقع در نبود چنین شفافیت‌هایی در بازار رقابتی، کاهش اعتمادپذیری ابعاد درونی بازار و کاهش حفاظت از سهامداران را به همراه خواهد داشت که این موضوع زمینه‌ساز افزایش ریسک و عدم تقارن اطلاعات گردیده است و جایگاه اعتبار رقابتی شرکت‌ها را زیر سؤال برده است (تشددی و همکاران، ۱۳۹۸). بازنگری شکست‌ها و رسوایی‌های بزرگ مالی، طی دو دهه گذشته، سبب شده تا شک و تردید قابل‌ملاحظه‌ای راجع به صلاحیت رویه‌های حسابداری بر مبنای الگوواره‌ها یا پارادایم‌های علمی مطرح شود، حوادثی که ضرورت نیاز به تغییر در پارادایم حسابداری را به دنبال داشته است (گری و موئسلی^۲، ۲۰۰۶، اولو^۳، ۲۰۱۴). یکی از ابعاد تغییر الگوواره حسابداری از پارادایم‌های سنتی به مدرن و حتی پُست مدرن، تغییر رویکردهای حسابداری قضایی باهدف افزایش سطح شفافیت‌های مالی شرکت‌ها می‌باشد. حسابداری قانونی^۴ یا حسابداری دادگاهی^۵، به عنوان یک وظیفه‌ی نهادی، نقش بررسی انطباق خروجی‌های حسابداری با قوانین و مقررات و کشف تخلفات مالی را به عهده دارد (پهریل و گاونیوسلی^۶، ۲۰۱۹). اگر قرار باشد از دانش حسابداری در هنگام بروز تخلفات و کشف تقلب‌ها و راه‌های جلوگیری از به وجود آمدن آن استفاده کرد، ناگزیر باید غیر از دانش حسابداری، به مهارت‌های حقوقی؛ بررسی تبصره‌ها و مواد قانونی نیز آشنا بود (کائمری تیواری و دیناث^۷، ۲۰۱۷). حسابداری دادگاهی به عنوان شاخه‌ای از حسابداری محسوب می‌شود که هدف آن افزایش سطح نظارت بر عملکردهای مالی شرکت‌ها در جهت ارائه اطلاعات مفیدی در رابطه با شرایط گذشته؛ حال و آینده

شرکت به ذینفعان باهدف کاهش ریسک‌های ناشی از سرمایه‌گذاری سهامداران می‌باشد (وفایی‌پور، ۱۳۹۹؛ نمازی و ابراهیمی‌میمند، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر، از آنجائیکه انتظارات ریسک بر رفتار سرمایه‌گذاری مدیران و سهامداران تأثیر دارد (اسلوپیک و همکاران^۸، ۱۹۸۱)؛ بنابراین هرگونه اطلاعات مرتبط با ریسک شرکت برای سرمایه‌گذاران مفید است. در این رابطه باید بیان نمود، مطابق پژوهش‌های پیشین همچون داکسی و همکاران^۹ (۲۰۲۰)؛ شی و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۴) و میهنکن^{۱۱} (۲۰۱۳) تقویت بنیان پارادایم حسابداری قضایی، به افزایش اثربخشی افشاء اطلاعات ریسک، توسط شرکت‌ها منجر می‌شود که این موضوع عدم تقارن میان سرمایه‌گذاران و مدیران شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. هرچند پژوهش‌هایی همچون لِنز و ویسکوکی^{۱۲} (۲۰۱۶) بر عواقب اقتصادی افشای ریسک مثل کاهش کارایی سرمایه‌گذاری و عواقب اجتماعی بازار سرمایه همچون توده‌واری رفتار سهامداران تأکید داشتند، اما رویه‌های کیفی توسعه پارادایم حسابداری قضایی بر نمادگرایی فرهنگی سرمایه‌گذاران جهت جلوگیری از ایجاد هیجانات در بازار سرمایه تأکید نموده است. یکی از نظریه‌های نمادگرایی، نظریه همولوژی براساس رویکرد پیتر بورديو (۱۹۸۲) می‌باشد. براساس این نظریه وجود تنوع فرهنگی در هر جامعه‌ای مثل جامعه سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها در بازار سرمایه منجر به ایجاد تضاد و تعارض در تصمیم‌گیری می‌شود. همولوژی نوعی رویکرد ساخت‌گرایی اجتماعی براساس نمادهایی قابل ادراک در بین افراد یک جامعه محسوب می‌شود که اگر به درستی تبدیل به یک ارزش اجتماعی شود، باعث می‌گردد تا تصمیم‌گیری‌های اجتماعی به صورت متوازن و متعادل‌تر گردد و پیش‌بینی رفتار فردی و جمعی سهل‌تر شود. گیگی و آدبیزی^{۱۳} (۲۰۱۳) در پیشبرد نقش حسابداری دادگاهی با تأکید بر تعامل‌گرایی نمادین بین ارزش‌های ادراکی و انتظارات اجتماعی سرمایه‌گذاران از شرکت‌ها، بر لزوم ایجاد اِلمان‌ها و نمادهای فرهنگ تأکید داشتند، چراکه این الگوهای

نمادین به ایجاد انسجام بیشتر در سرمایه‌گذاران به دلیل شناخت تأثیر حسابداری دادگاهی در تغییر رویکرد افشای ریسک شرکت‌های بازار سرمایه منجر می‌شود. به عبارت دیگر سرمایه‌گذاران حتی در صورت افشای ریسک، نسبت به آینده سرمایه‌گذاری خود در شرکت مزبور با طمانینه‌ی بیشتری تصمیم‌گیری می‌کنند، چراکه افزایش شفافیت‌های بیشتر به دلیل تقویت حسابداری قضایی باعث افزایش اعتماد به شرکت شده است. به عبارت دیگر، بسط نمادگرایی ادراک سرمایه‌گذاران مثل مفهوم سازی نمادهای سازمان بورس یا اصطلاحات خاصی همچون اثر تقویمی یا اثر ژانویه^{۱۴} در بازار، سبب افزایش پیرنگ‌های ملموس‌تری در بخش پنهان تصمیم‌گیری‌هایشان می‌شود که اعتماد آنان را به صورت‌های مالی شرکت‌ها افزایش می‌دهد (هارسکی و اسمیت^{۱۵}، ۲۰۰۸). آبراهام و کاکس^{۱۶} (۲۰۰۷) نیز از نمادگرایی برای تقویت ادراک منسجم سرمایه‌گذاران در وصف اهمیت افشای کامل اطلاعات استفاده نمود و بیان کرد وجود چندین اِلمان‌های نمادینی در عملکردهای مالی شرکت‌ها و سازمان بورس، ضمن کاهش هزینه‌های مربوط به دعاوی حقوقی، به تسهیل سرمایه‌گذاری و کاهش هزینه‌های سرمایه نیز منجر خواهد شد. لذا با توجه به مباحث مطرح شده هدف این پژوهش بررسی الگوواره تحکیم حسابداری قضایی در تغییر رویکرد افشای ریسک شرکت‌های بازار سرمایه براساس بسط نظریه همولوژی جهت نمادگرایی ادراک سرمایه‌گذاران می‌باشد.

مبانی نظری

افشای ریسک

ریسک شرکت را می‌توان به عنوان احتمال یک تأثیر منفی در آینده بر موقعیت‌های اقتصادی شرکت تعریف کرد. به عبارت دیگر، ریسک یا خطر، در هر فعالیتی که احتمال موفقیت صد در صد نباشد وجود دارد (گوتربیه و همکاران^{۱۷}، ۲۰۲۰). از طرف دیگر،

افشاء به عنوان یکی از اصول پایه‌ای حسابداری است که بر کلیه جوانب گزارشگری مالی شرکت‌ها در جهت ایجاد تقارن اطلاعاتی تأثیر مثبت می‌گذارد. براساس این اصل، کلیه واقعیت‌های با اهمیت مربوط به رویدادها و فعالیت‌های مالی واحد تجاری می‌بایست براساس الزام‌ها و حدود عرف اجتماعی اطلاعات مورد نیاز، به شکل مناسب و کامل گزارش شود (سالیم و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۹). براساس این اصل، صورت‌های مالی اساسی باید حاوی تمامی اطلاعات با اهمیت، مربوط و به موقع باشد و این نوع اطلاعات به گونه‌ای قابل فهم و حتی الامکان کامل ارائه شود تا امکان اتخاذ تصمیمات آگاهانه برای استفاده‌کنندگان را فراهم سازد. از سوی دیگر، اطلاعاتی که ارائه می‌شود نباید از لحاظ کمیت و کیفیت به گونه‌ای باشد که موجبات سردرگمی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را فراهم سازد (صادقی‌یخدانی و همکاران، ۱۳۹۹). افشاهای ریسک باید از یک فرآیند مدیریت ریسک شرکتی ایجاد شوند. در چاقوب فعلی، مدیریت ریسک به یک بخش اساسی از کنترل سازمان‌های داخلی و حاکمیت شرکتی و یک عنصر اساسی از حوزه کسب و کار تبدیل شده است. تمرکز مدیریت ریسک بر تعیین و کاهش ریسک‌ها بوده و هدف آن افزودن حداکثر ارزش پایدار به تمامی فعالیت‌های سازمان می‌باشد (مولائی‌نژاد و عطادی، ۱۳۹۳). فرآیند مدیریت ریسک نیز اطلاعات ریسک را تولید می‌کند که می‌تواند در دسترس عموم قرار بگیرند. انتشار این اطلاعات ریسکی به عنوان یک مسئولیت مهم یکسان برای مدیران در نظر گرفته می‌شود که این اطمینان را حاصل می‌کند که سهامداران و سایر ذینفعان به خوبی در مورد ریسک‌های اصلی و ابعاد شرکت آگاه هستند. با این وجود عدم شفافیت در افشای اطلاعات ریسکی، با توجه به عدم وجود هنجارها و اقدامات یکنواخت در میان عوامل دیگر وجود دارد. نظام گزارشگری مالی از طریق ارائه و افشاء اطلاعات متفاوت سهم گسترده‌ای در کمک به تصمیم‌گیرندگان اقتصادی دارد (نهار و همکاران^{۱۹}، ۲۰۲۰). این گزارش‌ها از طریق نمایان

سرمایه‌گذاران بیشتر (از راه بهبود شفافیت) استفاده می‌کنند. به این ترتیب افشای ریسک اطلاعات مفیدی را به بازار انتقال و درک ذینفعان از میزان در معرض ریسک قراردادن را بهبود می‌دهد و در نمایش عملکرد شرکت‌ها مهم است؛ لذا تقاضای بالایی برای افشای شفاف ریسک در گزارش‌های سالانه وجود دارد (نمازی و ابراهیمی‌میمند، ۱۳۹۵).

الگو واره حسابداری دادگاهی

حسابداری دادگاهی مفهومی توسعه‌یافته از مباحث حقوقی مالی محسوب می‌شود که طیفی از سندسازی‌ها تا پولشویی را در حسابداری نهادها، بنگاه‌های اقتصادی و ... در بر می‌گیرد و دانشی است که زمینه‌ساز پیدایش آن، قوانین و مقررات حاکم بر دنیای تجارت، برای جلوگیری از تقلبات و برخورد با متخلفین است (جیمز^{۲۳}، ۲۰۱۰). این الگوواره در حسابداری مبتنی بر فرآیندی گردآوری و ارائه اطلاعات مالی به نهادها و سرمایه‌گذاران است که قابلیت اتکاپذیری بالایی از نظر حقوقی داشته باشد. دونگ^{۲۴} (۲۰۱۱) ابعاد حسابداری دادگاهی را در قالب شکل ۱ ارائه داده است.

در واقع چندبعدی بودن حسابداری دادگاهی ضمن اینکه می‌تواند به توسعه فرآیندهای مالی و افشای گزارشگری شفاف کمک نماید و باعث کاهش عدم تقارن‌های اطلاعاتی گردد، در عین حال نیز بر مبنای فرآیندهای حسابرسی؛ مدیریت مالی؛ مالیاتی؛ حقوقی نیز می‌تواند به ارتقای سطح اعتماد اجتماعی به عنوان بُعد کارکرد حسابداری اجتماعی کمک شایان توجهی نماید. واژه حسابداری دادگاهی یک رویکرد تلویحی در پارادایم‌های جدید حسابداری محسوب می‌شود که در راستای یکپارچه‌سازی نقش حسابداری در خلق ارزش‌ها و شفافیت‌ها جهت تصمیم‌گیری‌های سهامداران عمل می‌نماید (سیگلتن و سیگلتن^{۲۵}، ۲۰۱۰). در یک تعریف جامع انجمن حسابداران رسمی آمریکا^{۲۶} (۲۰۱۱)، حسابداری دادگاهی را شامل کاربرد اصول؛ نظریه‌های حسابداری و حقایق یا فرضیه‌ها در

ساختن جنبه‌های متفاوت شرکت‌ها به این هدف نایل می‌آید. جنبه مالی و افشای اطلاعات مالی همواره در گزارش‌های نظام گزارشگری مالی به طور کامل مورد توجه قرار گرفته است. اما امروزه جهت مشخص شدن جنبه‌های متفاوت فعالیت شرکت‌ها بیشتر به اطلاعات غیرمالی تأکید می‌گردد، اطلاعاتی که با فاش ساختن بعضی جوانب بنگاه‌ها، نگرش متفاوت و زاویه دید جدیدتری به کاربران از اطلاعات می‌دهد (برادران حسن‌زاده و محرومی، ۱۳۹۶). افشای اطلاعات مربوط به ریسک و مدیریت ریسک یکی از داده‌های غیرمالی، در صورتی که سطح افشاء آن به اندازه کافی باشد، سهم ارزنده‌ای در پردازش داده‌های دریافتی کاربران دارد و در مدل‌های تصمیم آنان در راستای ارزش‌آفرینی، اثربخشی خود را اعمال خواهد کرد به گونه‌ای که سرمایه‌گذاران معتقدند که افشای اطلاعات مربوط به ریسک در انتخاب پرتفوی مناسب به آنان کمک بهینه‌ای خواهد کرد. براساس مطالعات لینسلی و شریوس^{۲۰} (۲۰۰۵) گزارش‌های سالانه فعلی تنها بخشی از موارد افشای ریسک را فراهم می‌کند و این میزان از نظر استفاده‌کنندگان کفایت لازم را ندارد. در واقع، گزارش‌های سالانه کنونی، انواع ریسک افشا را به میزان کافی و مناسب افشاء نکرده و درباره آنها بحث و بررسی نمی‌کنند، در حالی که همین عوامل فعالیت می‌تواند شرکت و فعالیت‌های مدیران آن را به چالش بکشد. رگنوئر آلوارادو و براویورکیوزا^{۲۱} (۲۰۲۰) افشای ریسک را مخابره اطلاعات درباره شرکت، استراتژی‌ها، مشخصات، عملیات و سایر عوامل خارجی که تأثیر بالقوه‌ای بر نتایج موردانتظار دارند، تعریف می‌کنند. افشای ریسک، اطلاعاتی درباره استراتژی‌ها، اقدامات، عملکرد و علاوه بر این اطلاعاتی که به طور خاص بر ریسک تمرکز می‌کند، را در بر می‌گیرد (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۷). لینسمیر و همکاران^{۲۲} (۲۰۰۲) براساس تئوری علامت‌دهی استدلال می‌کنند که مدیران در شرکت‌های با عملکرد خوب از افشای اختیاری ریسک برای علامت‌دهی در خصوص رویه‌های مدیریت ریسک و جذب

تخصصی حسابداری در امور مربوط به حقوق مدنی بالقوه یا بالفعل یا دعوی کیفیت دادگاهی (حقوقی) دارد به طور کلی شامل اصول پذیرفته شده حسابداری، هزینه فرصت از دست رفته، درآمد، دارایی و یا ضایعات و خسارت، ارزیابی کنترل‌های داخلی، ثقل و هر موضوع و مواردی است که دربرگیرنده تخصص و تجربه حسابداری در نظام حقوقی می‌باشد، اما محدود به اصول پذیرفته شده عمومی حسابداری نمی‌باشد.

مسائل مربوط به اختلاف‌های دادگاهی (دعوی حقوقی) تشریح می‌نماید که دربرگیرنده شاخه‌های مختلفی از حسابداری تا حقوق می‌باشد. در واقع نوعی کاربرد مهارت‌های حسابداری با یک ذهنیت کاوشگری نسبت به یک سری مسائل مالی در چارچوب قوانین و مقررات می‌باشد که مبنای آن اسناد و مدارک قابل اتکای حسابداری است (فخاری و اسکو، ۱۳۹۷). انجمن بازرسان خیر^{۲۷} (۲۰۱۴) در تعریف حسابداری دادگاهی اشاره به کاربرد و استفاده از مهارت‌های



شکل (۱) ابعاد حسابداری دادگاهی (منبع: دونگ، ۲۰۱۱)

از سنت به سمت مدرنیته باهدف پوشش چالش‌های گذشته می‌باشد که فلسفه‌های علمی را در قالب رویکردهای کاربردی توسعه می‌دهد. به عقیده کوهن^{۲۹} (۱۹۶۲) الگوواره، عبارت است از نوعی موفقیت مهم جدید که مورد تصدیق جامعه علمی خاص است و الگویی را فراهم می‌کند که از روی آن سنت منسجمی

بسط نظریه همولوژی؛ الگوواره حسابداری دادگاهی و رویکرد افشای ریسک

الگوواره یا پارادایم به معنای بنیان و یا در عبارتی ساده‌تر به معنای مجموع طرح‌ها قلمداد می‌گردد که ریشه و اصالت نظری آن به یونان باستان باز می‌گردد (میدول^{۲۸}، ۲۰۱۰). در واقع الگوواره سیر تحول حرکت

در عملکردهای رقابتی شرکت‌ها است. از این منظر پایبندی به رویه‌های قانونی و شناخت قوانین توسط شرکت می‌تواند به ایجاد اعتماد عمومی بیشتر در تعامل بین شرکت با سهامداران منتهی گردد و از نظر رقابتی شرکت را در موقعیت بهتری قرار دهد. در واقع باتوجه به نقش حسابداری دادگاهی مبنی بر تلاش جهت بررسی انطباق خروجی‌های حسابداری با قوانین و مقررات و کشف تخلفات مالی، می‌توان انتظار داشت تا سطح ریسک شرکت‌ها در تصمیم‌گیری سهامداران تا حد زیادی کنترل شود (برون و همکاران^{۳۲}، ۲۰۱۳). به بیانی ساده‌تر، حسابداری دادگاهی از طریق تطبیق بین عملکردهای مالی با عملکردهای حقوقی در پی انعکاس اخبار و اطلاعات بیشتر به ذینفعان می‌باشد. افشای ریسک به عنوان یکی از همین اخبار و اطلاعات سبب افزایش قدرت تصمیم‌گیری سهامداران می‌گردد. با در نظر گرفتن نقش ارزشیابی و مباشرتی اطلاعات حسابداری، افشای اطلاعات ریسک شرکت‌ها، ارزشیابی دقیق‌تر را، تسهیل می‌کند و راهنمایی، جهت ارزیابی شرکت‌ها، محسوب می‌شود، چراکه شفافیت ریسک، می‌تواند در عین اینکه باعث کاهش ریسک اطلاعاتی سرمایه‌گذاران شود، از طرف دیگر به دلیل اینکه شرکت اطلاعات ریسک باکیفیت ارائه می‌دهد، ریسک‌گزینش نامطلوب نیز کاهش می‌یابد و این موضوع مانع از اتفاقات یکباره و یا واکنش به انباشته توده‌ای از اخبار و اطلاعات منفی در مورد سهام شرکت از جانب سرمایه‌گذاران می‌گردد (شوانی و آگاروال^{۳۳}، ۲۰۲۰). براین اساس استحکام رویه‌های حقوقی و قضایی به عنوان یک بنیان بازرسی در فرآیندهای عملکردهای شرکت‌ها، سبب افشای موارد مربوط به ریسک می‌گردد که این موضوع، شکاف اطلاعاتی ایجادشده بین مدیران و سرمایه‌گذاران در رابطه با عدم اطمینان تجاری را کاهش می‌دهد. اما پرگرین و بچورنسکو^{۳۴} (۲۰۲۰) الزاما بنیان‌سازی حسابداری دادگاهی را حتی در صورت افشای ریسک شرکت‌ها، دلیلی بر کاهش تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران با مدیران تلقی نمی‌نمایند. زیرا عدم وجود الزام به افشای برخی از

درباره پدیده‌ی خاص به شیوه‌ای مرسوم مورد نگرش و ادراک قرار می‌گیرد (فخاری و اسکو، ۱۳۹۷). حسابداری دادگاهی نیز در قالب یک پیوند بین مباحث حقوقی با الزامات و استانداردهای حسابداری و حسابرسی، امروزه به عنوان تغییر بنیان شیوه‌های سنتی به سمت شیوه‌های مدرن و مورد انتظار اجتماعی محسوب می‌شود که مجموعه مهارت‌های مالی انتقادی را در قالب یک سلسله از مسائل حقوقی و قضایی با استناد به مدارک و مستندات مورد بررسی قرار می‌دهد تا مانع از تضییع حقوق سهامداران و سرمایه‌گذاران گردد (یانگ و لی^{۳۰}، ۲۰۲۰). در واقع حسابداری دادگاهی به عنوان خط مقدم بازرسی عملکردهای مالی شرکت‌ها محسوب می‌شود که چه به عنوان یک واحد داخلی در شرکت‌ها و چه به عنوان یک نهاد مستقل بیرونی ناظر بر عملکردهای مالی آن‌ها، به دنبال توسعه‌ی شفافیت‌های مالی برای ایجاد تقارن اطلاعاتی در بین سرمایه‌گذاران می‌باشد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۷). انجمن حسابداران رسمی آمریکا در تعریف حسابداری دادگاهی بر دو اصل تمرکز دارد. اولین اصل پایبندی به قوانین و مقررات مبتنی بر اسناد و مدارک حسابداری معتبر و دومین اصلی توسعه‌ی نظریه‌های حسابداری در طیف مختلفی از مباحث تخصصی تا مباحث فرهنگی جهت پیوند بین واقعیت‌ها با تغییرات اجتماعی و خروج از ثبات در بلندمدت می‌باشد (هگزی و همکاران^{۳۱}، ۲۰۱۷). در واقع اصل دوم اصلی مبتنی بر شمول گستردگی و توسعه‌ی مفاهیمی است که بنیان فلسفی حسابداری را استحکام می‌بخشد و به آن در جهت ایجاد اطمینان و اعتبار در بین ذینفعان معنا می‌دهد. به عبارت دیگر، حسابداری دادگاهی به عنوان یک بُعد نظارتی، توسط نهادهای حقوق و قانونی محسوب می‌شود که ضمن اینکه دارای الزامات حقوقی برای یکپارچه‌سازی فرآیندهای گزارشگری مالی؛ پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها می‌باشد (دیانتی‌دیلمی و همکاران، ۱۳۹۷)، در عین حال در برگیرنده‌ی ابعاد روانی و شناختی بر سهامداران در رعایت حقوق آن‌ها

پیشینه پژوهش

گونیداکیس و همکاران^{۳۷} (۲۰۲۰) پژوهشی تحت عنوان افشای ریسک در شرکت‌های بورس اوراق بهادار کشور یونان تحت شرایط بحران‌های مالی انجام دادند. در این پژوهش تعداد ۲۰۶ شرکت در بازه زمانی ده ساله از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹ براساس تحلیل رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد، شناسایی و پیش بینی ریسک و افشای آن برای ذینفعان به خصوص در شرایط بحران‌های مالی، ضمن حفاظت از منافع سهامداران، سبب ارتقاء ارزش سهام سرمایه‌گذاران می‌گردد. این نتیجه نشان داد، افشای ریسک به خصوص در طی سال‌های اخیر به دلیل وقوع بحران اقتصادی، می‌تواند به عنوان یک موضوع استراتژیک به افزایش اعتماد و اطمینان تجاری منجر شود. نهار و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی تحت عنوان افشای ریسک و ویژگی‌های ریسک حاکمیتی: شواهدی بر کشورهای درحال توسعه انجام دادند. در این پژوهش ۳۰۰ بانک و شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بازارهای سرمایه ۱۴ کشور در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد، افشای ریسک با ویژگی‌های ریسک حاکمیتی مثل دوگانگی مدیرعامل؛ عدم استقلال هیئت‌مدیره؛ نقاط ضعف کنترل داخلی دارای ارتباط منفی و معناداری می‌باشد. به این معنا که افشای ریسک توسط مدیران شرکت‌ها چه به صورت اختیاری و چه به صورت الزامی سبب می‌گردد تا ریسک‌های حاکمیتی کاهش یابد و شرکت‌ها کارکردهای حاکمیتی شفاف‌تری را از خود به نمایش بگذارند. بوتس و ساده^{۳۸} (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان تشریح شواهدی در رابطه با توسعه ابعاد حسابداری دادگاهی انجام دادند. این پژوهش که از نظر روش شناسی کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوا بود، در قالب واکاوی سیستماتیک روش‌های تحلیل کیفی تلاش شد تا ماهیت چندگانه حسابداری دادگاهی در قالب یک چارچوب منسجم مشخص گردد. براساس نتایج کسب شده مشخص شد، ابعادی همچون توسعه بُعد مالی؛ بُعد حقوقی؛ بُعد نظارتی و کنترلی؛ بُعد مالیاتی و بُعد

عملکردهای مالی، باعث می‌گردد تا عملاً سطح افشای ریسک شرکت‌ها نیز به تبع آن تقلیل یابد. لذا توسعه نمادهای فرهنگی و نمادهای ارزش‌محور را در بازار سرمایه به عنوان یک پیشنهاد مطرح نمودند. در همین رابطه هوپر^{۳۵} (۲۰۱۳) معتقد است، توسعه نمادها به عنوان یک ابزار و توسعه نمادها به عنوان یک ارزش هردو می‌بایست توسط سناریوپردازان مالی در چشم‌اندازهای بلندمدت به عنوان یک استراتژی در دستور کار قرار بگیرند، زیرا وجود ارزش‌های منسجم به پایبندی بیشتر شرکت‌ها در افشای اطلاعات مسئولانه به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند. اما در فقدان چنین ارزش‌هایی، عدم همسان‌سازی ادراکی در بازار سرمایه و به خصوص در بین سرمایه‌گذاران مانع از یکپارچگی تصمیم‌گیری‌ها می‌گردد و می‌تواند با کوچکترین تغییری سبب ایجاد هیجان و ناثباتی در بازار سرمایه گردد. از طرف دیگر اسماعیل و همکاران^{۳۶} همکاران^{۳۶} (۲۰۲۰) در قالب نظریه‌ای درباره‌ی پیش‌بینی روند تغییرات در بازار مالی و در حوزه مباحث استراتژیک مالی، فقدان نظریه همولوژی در توسعه‌دهندگی ارزش‌های متناسب بین بازار با سرمایه‌گذاران را دلیلی برای ناکارآمدی بازار عنوان نمود، چراکه بازارهای ناکارآمد از واکنش‌های توده‌وار در تصمیم‌گیری‌ها در نبود ارزش‌های قابل ادراک برای سرمایه‌گذاران، همواره رنج برده است. براین اساس الگوواره حسابداری دادگاهی از طریق توسعه‌دهندگی سطح ارزش‌های برابر و نمادهایی از اطمینان و اعتماد در بازار سرمایه، می‌تواند به تغییر رویکرد افشای ریسک شرکت‌های بازار سرمایه منجر شود. چراکه از یکسو الزامات و وجود بازرسی‌ها، شرکت‌ها را مجاب به افشای ریسک می‌نمایند و از سوی دیگر توسعه نمادگرایی اعتماد و اطمینان به واسطه‌ی تحکیم حسابداری دادگاهی می‌تواند، افشای ریسک را به عنوان یک مبنای دارای مزیت رقابت برای شرکت‌ها نهادینه کند. براین اساس فرضیه پژوهش عبارتست از:

فرضیه پژوهش: الگوواره تحکیم حسابداری دادگاهی بر افشای ریسک شرکت‌های بازار سرمایه تاثیر دارد.

بر روش تحلیل مسیر است. داده‌های پژوهش در بخش افشای ریسک شرکت‌ها از لوح‌های فشرده آرشیو آماری و تصویری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزار ره‌آورد نوین و داده‌های مربوط به الگوواره حسابداری دادگاهی از طریق ارسال پرسشنامه استاندارد به شرکت‌های نمونه گردآوری گردید. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ است. نمونه انتخابی تحقیق نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

- ۱) طی سال مذکور تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
- ۲) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند).

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۱۳۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند و پرسشنامه مذکور برای مدیران این شرکت‌ها ارسال گردید که در نهایت پس از پیگیری‌های فراوان، ۱۰۲ پرسشنامه تکمیل و برگشت داده شد و به عنوان نمونه نهایی برای تجزیه و تحلیل استفاده گردید. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و به روش تحلیل حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم‌افزار PLS صورت گرفته است. مراحل انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری بدین ترتیب است که ابتدا به بررسی برازش مدل (شامل برازش مدل‌های اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری و برازش مدل کلی) و سپس به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

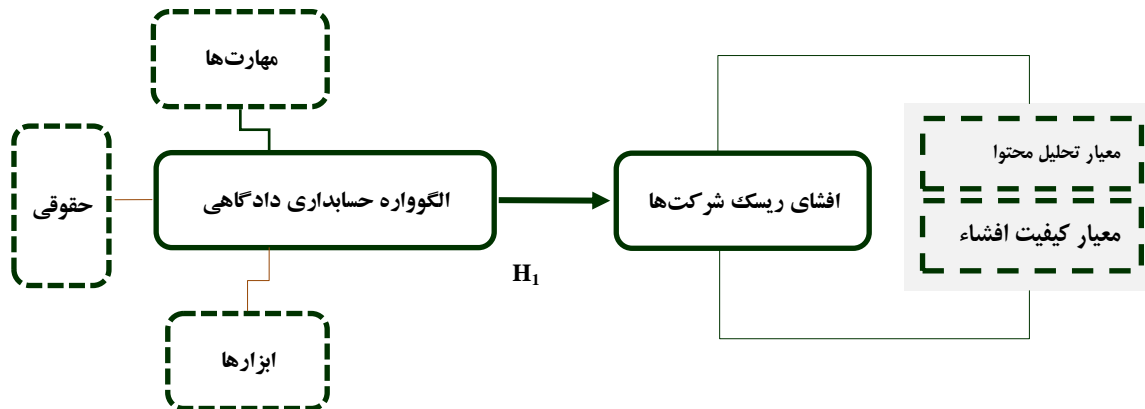
اخلاقی مهمترین ابعادی است که در چارچوب تعریف حسابداری دادگاهی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. سلیمانی‌امیری و بابائی (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان آموزش حسابداری دادگاهی در برنامه درسی حسابداری در دانشگاه‌ها: دیدگاه‌های دانشگاهیان و شاغلان حرفه انجام دادند. این پژوهش از نوع پیمایشی است که از طریق ارسال پرسش‌نامه به دانشگاهیان و افراد شاغل در حرفه و تجزیه و تحلیل نتایج به‌دست آمده از داده‌های جمع‌آوری شده انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که اکثریت پاسخ‌گویان با نقش حسابداران دادگاهی آشنا هستند و استفاده از خدمات آنها را در بخش عمومی کشور ضروری می‌دانند. همچنین هر دو گروه از پاسخ‌گویان انتظار دارند که تقاضا برای خدمات حسابداری دادگاهی در آینده افزایش یابد و مزایای آموزش حسابداری دادگاهی را در دانشگاه‌ها و سودمندی خدمات آن را در بخش عمومی با اهمیت تلقی کرده‌اند. رحمانی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان بررسی لزوم توجه بیشتر به حسابداری قانونی انجام دادند. این مطالعه از نوع پیمایشی-کاربردی بوده و بررسی موضوع به وسیله پرسشنامه و نمونه‌گیری تصادفی ساده، از ۵۰ نفر از استادان حسابداری کشور صورت گرفت. یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که ضروری است توجه بیشتری به حسابداری قانونی صورت گرفته و حسابداری قانونی، تحت عنوان یک سرفصل مستقل به ساختار دروس حسابداری اضافه شود.

روش پژوهش

این پژوهش براساس هدف انجام آن، جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و براساس فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، در دسته پژوهش‌های همبستگی/توصیفی قرار می‌گیرد و در نهایت به لحاظ فلسفی جزء پژوهش‌های قیاسی محسوب می‌گردد که به‌دلیل مطالعه داده‌های مربوط به یک مقطع زمانی خاص، روش تحلیل داده‌ها به‌صورت مقطعی و مبتنی

چارچوب نظری پژوهش

براساس توضیح‌های داده شده و باتوجه به فرضیه پژوهش، چارچوب نظری پژوهش به ترتیب شکل ۲ زیر ارائه می‌شود.



شکل (۲) چارچوب نظری پژوهش

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش توسعه الگوواره حسابداری دادگاهی می‌باشد. برای سنجش این متغیر از پرسشنامه‌ی هامدن (۲۰۱۸) استفاده شده است. این پرسشنامه شامل سه بخش مهارت‌ها در حسابداری دادگاهی^{۳۹}؛ ابزارها و رویه‌ها در حسابداری دادگاهی^{۴۰} و مباحث حقوقی مرتبط با زمینه‌های مالی و حسابداری دادگاهی^{۴۱} می‌باشد. مهارت‌ها در حسابداری دادگاهی کارکردهای تخصصی جهت بررسی و ارزیابی صورت‌های مالی همسو با قوانین و استانداردها را در بر می‌گیرد و براساس ۴ سوال سنجش می‌شود. از طرف دیگر ابزارها و رویه‌ها در حسابداری دادگاهی اشاره به رویکردهای هنجاری و عرفی در اجرای حسابداری دادگاهی دارد که به تقویت سطح نظارت‌های اثربخش در توسعه حسابداری دادگاهی کمک می‌کند که براساس ۴ سوال در این پژوهش سنجیده می‌شود. در نهایت مباحث حقوقی مرتبط با زمینه‌های مالی و حسابداری دادگاهی به حوزه‌های قضایی و آگاهی از جرائم توسط بررسی کنندگان اشاره دارد که تاچه اندازه وجود این مباحث می‌تواند به افزایش اثربخشی

کارکردهای حسابداری قضایی کمک نماید که در این پژوهش براساس ۴ سوال سنجیده می‌شود. این پرسشنامه به دلیل استاندارد بودن از نظر روایی مورد تایید قرار گرفت. از نظر پایایی نیز این پرسشنامه برابر ۰/۹۱ ضریب آلفای کرونباخ برآورد شده است. این پرسشنامه براساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از بسیار زیاد (۵)؛ زیاد (۴)؛ تاحدی (۳)؛ کم (۲) و بسیار کم (۱) تشکیل شده است که براساس سه معیار یاد شده، توسعه الگوواره حسابداری دادگاهی را مورد کنکاش قرار می‌دهد. این پرسشنامه شامل ۱۲ سوال و سه بُعد قابل سنجش می‌باشد و به منظور کاربرد آن در این پژوهش بر مبنای نمره‌گذاری پرسشنامه که براساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت بود، جمع امتیاز متعلق به هر پرسشنامه به کل امتیاز قابل اکتساب (۶۰)، به‌عنوان سطح الگوواره حسابداری دادگاهی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در نظر گرفته شد.

متغیر وابسته افشای ریسک شرکت‌ها

در این پژوهش به پیروی از پژوهش‌هایی همچون سالیم و همکاران (۲۰۱۹)؛ لینسمیر و همکاران (۲۰۰۲)؛ شی و همکاران (۲۰۱۴)؛ فصیحی و همکاران (۱۳۹۸) و خیام‌پور و همکاران (۱۳۹۹) از دو معیار زیر برای سنجش آن استفاده نمودند.

معیار اول) افشای مولفه‌های ریسک براساس تحلیل محتوا

در این پژوهش عبارت‌های مربوط به ریسک‌های ارائه شده به عنوان یک متغیر مجازی در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب در صورتی که شرکتی یک قلم اطلاعات ریسکی در گزارش فعالیت هیات مدیره به عنوان معیار افشای ریسک (بدون توجه به تعداد و نوع آن که ممکن است جمله، تصویر یا نمودار باشد) به آن امتیاز یک و اگر افشاء نشده باشد صفر داده شده است. به طور عمده در این پژوهش مولفه‌های ریسک موردمشاهده (ریسک نوسانات نرخ بهره؛ ریسک کیفیت محصولات؛ ریسک نوسانات نرخ ارز؛ ریسک قیمت نهادهای تولیدی؛ ریسک کاهش قیمت محصولات؛ ریسک مربوط به تغییر مقررات دولتی؛ ریسک تجاری و ...) قرار گرفته است.

معیار دوم) شاخص کیفیت افشای ریسک

در ایران سازمان بورس اوراق بهادار طی «دستورالعمل گزارش فعالیت هیئت‌مدیره، در بخش ریسک‌های عمده شرکت‌ها» آن‌ها را ملزم به ارائه گزارش ریسک کرده است. در این دستورالعمل ۱۰ طبقه کلی از ریسک به عنوان رهنمودی از ریسک‌های عمده ارائه شده است. در این پژوهش با استفاده از گزارش ریسک شرکت‌ها و به پیروی از ادبیات پیشین ریسک‌های افشاشده شرکت‌ها به ۲ گروه کلی ریسک‌های استراتژیک، مالی، عملیاتی و قوانین و مقررات طبقه‌بندی شده‌اند و سپس با استفاده از مدل میهکنن^{۴۲} (۲۰۱۲) شاخص افشای ریسک محاسبه شده است. میهکنن (۲۰۱۲) شاخص کیفیت افشای ریسک را به صورت زیر محاسبه کرده است:

کمیت افشا پروکسی معتبری برای کیفیت افشا است. بدین منظور ابتدا لگاریتم طبیعی تعداد کلمات افشای ریسک به عنوان شاخص تجربی برای کیفیت افشا مطابق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{Quantity} = \text{LN}(\text{Number of Risk Words Disclosed})$$

در این پژوهش جهت شمارش تعداد کلمات ریسک مطابق پژوهش‌های پیشین لینسلی و شریوز^{۴۳} (۲۰۰۶) و البانان و البانان^{۴۴} (۲۰۱۵) از محاسبه پوشش ریسک براساس شاخص هرفیندال به صورت زیر محاسبه شده است:

$$\text{Herfindahl Index} = \sum_{i=1}^n P_i^n$$

که در آن: P_i نسبت کلمات افشای ریسک موضوع i می‌باشد. در نهایت شاخص کیفیت افشای ریسک از طریق معادله زیر محاسبه شده است:

$$\text{Coverage} = \left[\frac{1}{\text{Herfindahl Index}} \right] \left[\text{Main Classes of Risk} \right]$$

که در آن:

Herfindahl Index شاخص هرفیندال محاسبه شده‌ی پوشش ریسک؛
Main Classes of Risk تعداد طبقات اصلی ریسک افشاء شده.

یافته‌های پژوهش**آمار توصیفی**

آمار توصیفی مبنایی برای شناخت متغیرهای مورد آزمون در یک پژوهش می‌باشد که با شاخص‌هایی همچون شاخص مرکزی و پراکندگی سنجش می‌شوند. براساس نتایج مشخص شد، بیشترین میزان میانگین مربوط به مولفه‌ی مهارت‌ها در حسابداری قضایی در متغیر الگوواره حسابداری دادگاهی می‌باشد که برابر با

شرکت‌ها از یک هنجار و رویه مشخص و برابری پیروی می‌نمایند که انحراف معیار پایین این متغیر (۰/۲۵) نیز گویایی این واقعیت است، یعنی تفاوت چندان بین شرکت‌ها از نظر افشای موارد کلیدی ریسک وجود ندارد. از طرف دیگر، بالاترین میزان انحراف معیار در بین مولفه‌های الگوواره حسابداری دادگاهی مشخص شد، مباحث حقوقی مرتبط با زمینه‌های مالی و حسابداری قضایی بالاترین میزان انحراف معیار یعنی ۱/۰۲ را به خود اختصاص داده است که این نتیجه نشان می‌دهد، شرکت‌ها نسبت به مبنا و دستورالعمل مشخصی از فرآیند حسابداری دادگاهی آشنایت لازم را ندارند و عموماً تفاوت بین شیوه‌های اجرای آنان وجود دارد.

۴/۲۸ تعیین شده است. بالا بودن میانگین این مولفه در مقابل دو مولفه دیگر الگوواره حسابداری دادگاهی می‌تواند بیان‌کننده‌ی این موضوع باشد که، تحکیم حسابداری دادگاهی، نیازمند وجود مهارت‌های حقوقی و شناخت سطح مهارت‌ها و الزامات توانمندی فردی در پیشبرد این الگوواره محسوب می‌شود و شرکت‌ها باید قادر باشند تا برنامه‌های لازم را در خصوص این سطح از مهارت‌ها ایجاد نمایند. از طرف دیگر شاخص کیفیت افشاء به عنوان مولفه‌ی متغیر افشای ریسک شرکت‌ها نشان دهنده‌ی این موضوع است که ۷۲ درصد نسبت کلمات افشای ریسک در دسته طبقه بندی‌های اصلی ریسک افشاء شده شرکت‌ها قرار می‌گیرد. این موضوع نشان می‌دهد سطح رویه‌ی افشای ریسک توسط

جدول (۱) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
مهارت‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Skills	۴/۲۸	۴/۵۰	۲/۷۵	۵/۰۰	۰/۷۱
ابزارها و رویه‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Tool	۴/۳۰	۴/۶۲	۲/۵۰	۵/۰۰	۰/۸۲
مباحث حقوقی مرتبط با زمینه‌های مالی و حسابداری قضایی	Forensic Accounting Legal	۴/۰۱	۴/۵۰	۲/۲۵	۵/۰۰	۱/۰۲
شاخص افشای مولفه‌های ریسک براساس تحلیل محتوا	Content Analysis	۰/۵۴	۱/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۵۰
شاخص کیفیت افشای ریسک	Quality Disclosure	۰/۷۳	۰/۸۰	۰/۲۷	۱/۰۰	۰/۲۵

برازش مدل‌های اندازه‌گیری

در برازش مدل‌های اندازه‌گیری از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود. به منظور بررسی پایایی مدل اندازه‌گیری تحقیق، از ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده می‌گردد.

مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۴ می‌باشد. مطابق با جدول (۲)، تمامی اعداد ضرایب بارهای عاملی سوالات از ۰/۴ بیشتر است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد. مطابق با الگوریتم تحلیل داده‌ها در PLS، بعد از سنجش بارهای عاملی سوالات، نوبت به محاسبه و گزارش ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی می‌رسد، که نتایج آن در جدول (۳)، آمده است.

باتوجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی ۰/۷ است و مطابق با یافته‌های جدول فوق این معیارها در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده‌اند، لذا می‌توان مناسب بودن پایایی مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش را تأیید نمود. معیار دوم از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگرا است که به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سوالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد.

باتوجه به اینکه مقدار مناسب برای AVE، ۰/۵ است (فورنل و لارکر^{۴۵}، ۱۹۸۱) و مطابق با یافته‌های جدول (۴)، این معیار در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده، در نتیجه مناسب بودن روایی همگرای پژوهش تأیید می‌شود. روایی واگرا معیار سوم بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری می‌باشد. روایی واگرایی قابل قبول یک مدل بیانگر آن است که یک

معناست که هر سازه در مدل تحقیق نسبت به دیگر سازه‌ها با شاخص‌های خود در تعامل بیشتری است. این موضوع، روایی و اگرایی مناسب و برازش مناسب مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش را نشان می‌دهد. باتوجه به نتایج پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا مشاهده می‌شود که مدل‌های اندازه‌گیری مدل معادلات ساختاری پژوهش به نحوی مطلوب، توانایی اندازه‌گیری متغیرهای پنهان پژوهش را دارند. لذا، در ادامه برازش مدل ساختاری پژوهش بررسی می‌گردد.

سازه در مدل، نسبت به سازه‌های دیگر تعامل بیشتری با شاخص‌هایش دارد. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبولی است که AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی میزان بین آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل باشد. باتوجه به جدول (۵)، مقدار جذر میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و راست قطر اصلی قرار دارند، بیشتر است. این بدان

جدول (۲) ضرایب بارهای عاملی

عامل	شاخص	سوالات	بارعاملی	عامل	شاخص	سوالات	بارعاملی
الگوواره حسابداری دادگاهی	Forensic Accounting	FA1	۰/۸۰	الگوواره حسابداری دادگاهی	Forensic Accounting	FA 7	۰/۷۸
		FA2	۰/۸۳			FA 8	۰/۷۹
		FA3	۰/۸۰			FA 9	۰/۹۰
		FA4	۰/۸۷			FA 10	۰/۹۲
		FA5	۰/۷۳			FA 11	۰/۸۸
		FA6	۰/۸۷			FA 12	۰/۸۹
افشای ریسک (Risk Disclosure)	شاخص تحلیل محتوا	Content Analysis	۰/۸۲	شاخص کیفیت افشاء	Quality Disclosure		۰/۸۷

جدول (۳) نتایج معیار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان تحقیق

متغیرهای مکنون	علامت اختصاری	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR>0.7)
الگوواره حسابداری دادگاهی	Forensic Accounting	۰/۷۳	۰/۸۵
مهارت‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Skills	۰/۸۵	۰/۹۰
ابزارها و رویه‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Tool	۰/۸۱	۰/۸۷
مباحث حقوقی مرتبط با زمینه‌های مالی و حسابداری قضایی	Forensic Accounting Legal	۹۲	۰/۹۴
افشای ریسک	Risk Disclosure	۰/۷۹	۰/۸۳

جدول (۴) نتایج روایی همگرایی متغیرهای پنهان تحقیق

متغیرهای مکنون	علامت اختصاری	میانگین واریانس استخراجی (AVE>0.5)
الگوواره حسابداری دادگاهی	Forensic Accounting	۰/۶۵
مهارت‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Skills	۰/۶۸
ابزارها و رویه‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Tool	۰/۶۳
مباحث حقوقی مرتبط با زمینه‌های مالی و حسابداری قضایی	Forensic Accounting Legal	۰/۸۱
افشای ریسک	Risk Disclosure	۰/۷۱

جدول (۵) ماتریس فورنل و لارکر جهت بررسی روایی واگرا

متغیرها	نمادها	Forensic Accounting	Forensic Accounting Legal	Forensic Accounting Tool	Forensic Accounting Skills	Risk Disclosure
الگوواره حسابداری دادگاهی	ForensicAccounting	۰/۸۱				
مباحث حقوقی مرتبط با زمین‌های مالی و حسابداری قضایی	Forensic Accounting Legal	۰/۷۵	۰/۹۰			
ابزارها و رویه‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Tool	۰/۷۴	۰/۶۰	۰/۸۰		
مهارت‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Skills	۰/۷۴	۰/۴۳	۰/۴۱	۰/۸۳	
افشای ریسک	Risk Disclosure	۰/۴۹	۰/۳۴	۰/۴۱	۰/۴۵	۰/۸۴

برازش مدل ساختاری

پس از سنجش روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری از طریق روابط بین متغیرهای مکنون ارزیابی شد. در پژوهش حاضر از دو معیار ضریب تعیین (R^2) و ضریب قدرت پیش‌بینی (Q^2)، استفاده شده است.

ضریب تعیین (R^2) و ضریب قدرت پیش‌بینی (Q^2)

R^2 معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد. مطابق با شکل (۲)، مقدار R^2 برای سازه‌های درون‌زای پژوهش محاسبه شده است که می‌توان مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید نمود. درضمن، به منظور بررسی قدرت پیش‌بینی مدل از معیاری با عنوان Q^2 استفاده شد. با توجه به نتایج این معیار در جدول (۶) می‌توان نتیجه گرفت که مدل، قدرت پیش‌بینی «قوی» دارد.

برازش مدل کلی

پس از برازش بخش اندازه‌گیری و ساختاری مدل پژوهش حاضر، به منظور کنترل برازش کلی مدل از معیاری با عنوان GOF ^{۴۶} استفاده شد. که سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای آن معرفی شده است. این معیار از طریق رابطه (۱) محاسبه می‌گردد:

رابطه (۱)

$$GOF = \sqrt{\overline{\text{Communalities}} \times R^2}$$

$\overline{\text{Communalities}}$ از میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای مکنون پژوهش و R^2 میانگین مقادیر ضریب تعیین متغیرهای درون‌زای مدل است. با توجه به مقدار بدست آمده برای GOF به میزان ۰/۶۲، برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می‌شود.

جدول (۶) مقادیر ضریب تعیین (R^2) و ضریب قدرت پیش‌بینی (Q^2)

متغیرها	نمادها	Q^2	R^2
مهارت‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Skills	۰/۳۶	۰/۵۵
ابزارها و رویه‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Tool	۰/۴۳	۰/۷۰
مباحث حقوقی مرتبط با زمین‌های مالی و حسابداری قضایی	Forensic Accounting Legal	۰/۵۸	۰/۷۲
افشای ریسک	Risk Disclosure	۰/۱۶	۰/۲۴

جدول (۷) میزان Communalities و R²

متغیرهای مکنون	علامت اختصاری	Communality	R ²
الگوواره حسابداری دادگاهی	Forensic Accounting	۰/۶۵	
مهارت‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Skills	۰/۶۸	۰/۵۵
ابزارها و رویه‌ها در حسابداری قضایی	Forensic Accounting Tool	۰/۶۳	۰/۷۰
مباحث حقوقی مرتبط با زمینه‌های مالی و حسابداری قضایی	Forensic Accounting Legal	۰/۸۱	۰/۷۲
افشای ریسک	Risk Disclosure	۰/۷۱	۰/۲۴

جدول (۸) نتایج برازش مدل کلی

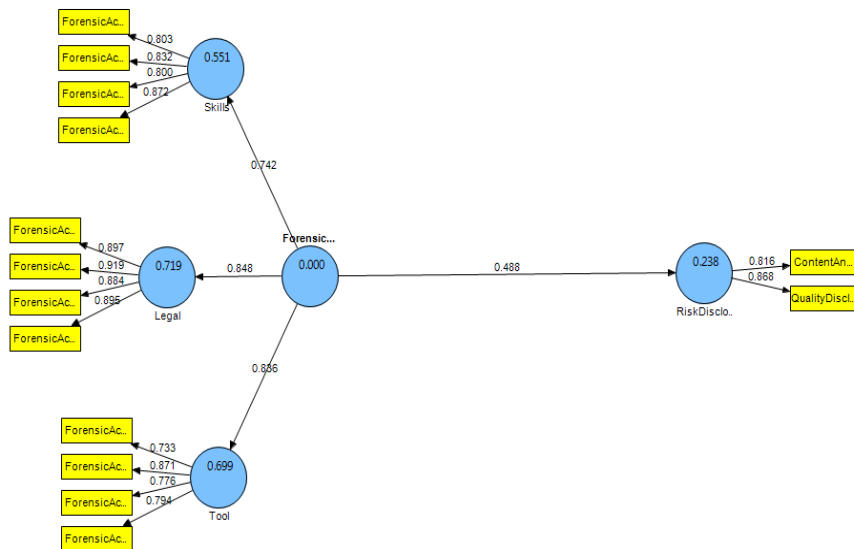
GOF	R ²	Communality
۰/۶۲	۰/۵۵	۰/۷۰

باتوجه به شکل (۳) و (۴)، ضریب استاندارد شده (ضریب مسیر)، الگوواره تحکیم حسابداری دادگاهی بر افشای ریسک شرکت‌های بازار سرمایه، چراکه ضریب مسیر مثبت و برابر با ۰/۴۸ می‌باشد و آماره t نیز برابر با ۶/۱۱ می‌باشد، که باتوجه به اینکه بزرگتر از ۱/۹۶ است، ضمن تایید نتیجه فرضیه پژوهش، مشخص شد، الگوواره تحکیم حسابداری دادگاهی بر افشای ریسک شرکت‌های بازار سرمایه تاثیر مثبت و معناداری دارد.

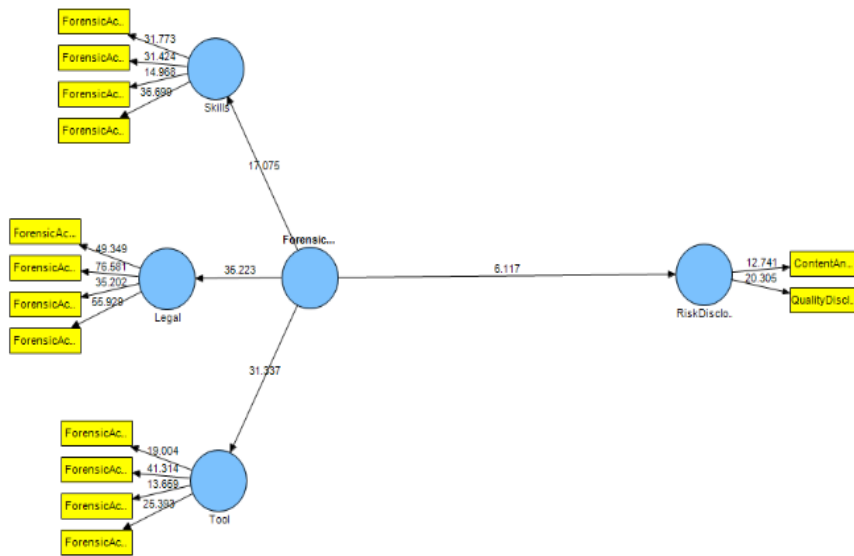
نتایج آزمون فرضیه‌ها

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری و داشتن برازش مناسب مدل کلی و با توجه به شکل‌های (۳) و (۴)، به بررسی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود که نتایج آن در جدول (۹)، ارائه شده است.

باتوجه به مدل ساختاری و ضرایب بار عاملی، در قالب جدول (۹) می‌توان نتیجه آزمون فرضیه پژوهش را مشاهده نمود.



شکل (۳) مدل ساختاری فرضیه پژوهش همراه با ضرایب بارهای عاملی



شکل (۴) مدل ساختاری فرضیه پژوهش همراه با ضرایب معناداری

جدول (۹) نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش

نتیجه آزمون	معناداری (T-Value)	ضریب مسیر (β)	فرضیه پژوهش	فرضیه
تایید فرضیه	۶/۱۱	۰/۴۸	الگوواره تحکیم حسابداری دادگاهی بر افشای ریسک شرکت‌های بازار سرمایه تاثیر دارد.	فرضیه پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

رشد سرمایه‌گذاری در کشور همزمان با افزایش خطرات پیرامونی آن نیاز به ارائه اطلاعات سودمند همچون افشای ریسک شرکت‌ها، برای استفاده کنندگان را موجب گردیده است. پیچیدگی‌های حاصل از کسب و کارهای نوین که از علوم و فناوری‌های پیشرفته برخوردار می‌باشند، همراه با افزایش خطرات ناشی از بکارگیری آن‌ها نیز بوده است (خیام‌پور و همکاران، ۱۳۹۹). نقش دولت‌ها و راهبردهای اقتصادی سیاسی اجتماعی آنها در دوره فعالیت نیز مولفه‌های خطر متناسبی را بوجود آورده است. از طرف دیگر، توسعه جامعه مدنی و لزوم برقراری قانون و مقررات جدید یا اصلاح مقررات قدیمی جهت نظم و سامان‌دادن به امور اقتصادی اجتماعی همسو با پارادایم‌های موردتاکید حسابداری دادگاهی از جانب

نهادهای مزبور، نیز به افزایش اهمیت همسویی تغییرات شرکت‌ها با تغییرات محیطی مثل توسعه بازارهای پول، سرمایه، کالا همراه بوده است (آکین‌بووالا و همکاران^{۴۷}، ۲۰۲۰). تمامی عوامل ایجابی فوق، از طریق امکان بوجود آمدن سطح قابل‌تعیینی از غیر قابل پیش‌بینی تغییرات محیطی، باعث می‌گردد تا سطح سرمایه‌گذاری‌های سهامداران از اثربخشی قابل‌توجه‌تری برخوردار باشد. چراکه که از آنجاییکه محیط بازار سرمایه با مقوله‌هایی از جنس خطر بازار؛ خطر نقدینگی؛ خطر اعتباری؛ ریسک وصول مطالبات و ریسک بهره‌مواجه است، تحکیم الگوواره‌ای همچون حسابداری دادگاهی می‌تواند به افزایش شفافیت‌های بازار سرمایه منجر شود و ادراک منسجم‌تری از سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه را ایجاد نماید (دیگابریل و همکاران^{۴۸}، ۲۰۲۰). لذا هدف این پژوهش بررسی

ریسک و سایر اطلاعات اختیاری، به شفافیت‌های مالی قابل‌توجه‌تری در بازار سرمایه دست یافت. چراکه شفافیت‌های افشای اطلاعات اختیاری همچون افشای ریسک به تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران بازار سرمایه، دیدی وسیع‌تر نسبت به آینده شرکت ارائه می‌دهد و از طریق وجود گردش آزاد اطلاعات، به واسطه‌ی همسان‌سازی نمادهای تصمیم‌گیری در بازار سرمایه، می‌تواند زمینه‌ی ایجاد پویایی در بازار سرمایه را مهیا نماید و سبب ایجاد تقارن اطلاعاتی بین شرکت با سهامداران و سرمایه‌گذاران گردد. به عبارت دیگر، حسابداری دادگاهی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا ضمن استفاده از استراتژی‌های حسابداری متناسب با ماهیت و محتوای شرکت با نیازهای اطلاعاتی بازار، ارزش‌های عملکردی شفاف‌تر در یک بازار رقابتی را در قالب هنجارهای مرجع حسابداری تقویت می‌نماید و باعث می‌گردد تا سرمایه‌گذاران به واسطه افزایش شفافیت‌های اطلاعاتی همچون افشای ریسک از جانب شرکت‌ها، درک منسجم‌تری از تغییرات در بازار سرمایه داشته باشند و به واسطه علائم و نمادهای مشخص و معین در بازار سرمایه که به واسطه توسعه نظریه همولوژی در سطح بازار سرمایه ایجاد می‌گردد، تصمیم‌های اثربخش‌تری در خصوص عملکردهای شرکت‌ها و کسب بازده بیشتر اتخاذ نمایند. نتیجه کسب شده با پژوهش‌های گونیداکیس و همکاران (۲۰۲۰)؛ نهار و همکاران (۲۰۲۰)؛ بوتس و ساده (۲۰۱۸) و رحمانی و همکاران (۱۳۹۷) مطابقت دارد.

براساس نتیجه کسب‌شده پیشنهاد می‌شود، نهادهای نظارت بر عملکردهای قانونی و حقوقی شرکت‌ها همچون سازمان بورس اوراق بهادار از نظر لزوم به کارگیری شفافیت‌های اطلاعاتی بیشتر بخصوص افشای ریسک دستورالعمل‌های لازم را به شرکت‌ها ابلاغ نمایند تا سطح شناخت سرمایه‌گذاران نسبت به تصمیم‌گیری‌های مالی و جذابیت بازار سرمایه تقویت گردد. به عنوان مثال، قرارداد مبنایی از توسعه سطح حسابداری دادگاهی به منظور تاثیرگذاری بر رتبه افشا یا بالا رفتن رتبه‌ی امتیازی

تاثیر الگوواره تحکیم حسابداری دادگاهی در تغییر رویکرد افشای ریسک شرکت‌های بازار سرمایه باتوجه به بسط نظریه همولوژی جهت نمادگرایی ادراک سرمایه‌گذاران می‌باشد. براساس نتیجه آزمون فرضیه پژوهش مشخص گردید، تحکیم الگوواره‌ی حسابداری دادگاهی به عنوان یک مبنای نظارتی و استاندارد و یک مبنای توسعه تعامل‌گرایی نمادین، بر تغییر رویکرد افشای ریسک توسط شرکت‌ها تاثیر مثبت و معناداری دارد، چراکه الگوواره حسابداری دادگاهی به همگن‌سازی ادراکی سرمایه‌گذاران به منظور شناخت بهتر بازار سرمایه در جهت ارتقای تصمیم‌گیری اثربخش کمک می‌کند. به عبارت دیگر، همسو با تعاریف مرتبط با حسابداری دادگاهی یا قانونی، این پارادایم یا الگوواره از یک‌سو بکارگیری ابزارها و مفاهیمی را در حسابداری به شرکت‌ها یاد آوری می‌نماید، که این یادآوری می‌تواند در ارتقای اثربخشی بازرسی‌ها از افشای اطلاعات به سرمایه‌گذاران کمک نماید. در واقع، تحکیم الگوواره‌ی حسابداری دادگاهی به ایجاد یکپارچگی بیشتر در شناخت بهتر ماهیت عملکردهای شرکت‌ها در زمینه‌های مختلفی همچون ریسک می‌تواند منجر شود. از سویی دیگر، از آنجاییکه حسابداری دادگاهی طبق تعریف انجمن بازرسان خبره در حرفه حسابداری^{۴۹} (۲۰۱۴) بر اهمیت توسعه نمادهایی از عملکردهای تغییر یافته حسابداری مدرن نسبت به حسابداری سنتی تاکید نموده است، این پژوهش به دنبال توسعه نمادهای قابل فهمی در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران بود. لذا از طریق بسط نظریه همولوژی که بر تغییر ادراک و نگرش سرمایه‌گذاران از رویکردی پیرو (باهدف کاهش توده‌واری رفتار تصمیم‌گیری در بازار سرمایه) به سمت رویکرد شناخت بازار، تاکید داشت، تلاش شد تا تاثیر مثبت تحکیم الگوواره حسابداری دادگاهی با تغییر شیوه‌های چابک‌تر افشای ریسک را مورد بررسی قرار دهد. براین اساس می‌توان در توجیح این تاثیرگذاری، بر نقش نمادگرایی‌های ابزاری و ارزشی از طریق تقویت بنیان حسابداری دادگاهی و تشویق شرکت‌ها به افشای

تقلب، فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳(۵): ۴۱-۱۰۰

* رحمانی، حلیمه، رجب‌دري، حسين، روستاميمندی، اعظم. (۱۳۹۷). بررسی لزوم توجه بیشتر به حسابداری قانونی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۰(۳۷): ۷۳-۸۸.

* رحيميان، نظام الدين، تقوی فرد، محمدتقی، ميرعباسی، سيدجواد. (۱۳۹۷). افشای اهمیت و ریسک دعاوی حقوقی، فصلنامه دانش حسابرسی، ۷۰(۱): ۴۵-۷۳.

* سلیمانی‌امیری، غلامرضا، بابائی، فاطمه. (۱۳۹۹). آموزش حسابداری دادگاهی در برنامه درسی حسابداری در دانشگاه‌ها: دیدگاه‌های دانشگاهیان و شاغلان حرفه، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۹(۱): ۱۱۷-۱۶۲.

* صادقی‌بخدانی، غزل، خانی، عبدالله، بت‌شکن، محمود. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر افشای اطلاعات بر صرف ریسک سهام با توجه به سطح نرخ رشد شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۷(۳)، ۳۸۱-۴۰۹.

* فخاری، حسین، اسکو، وحید. (۱۳۹۷). تقلب در صورت‌های مالی: نیاز به تغییر الگو به سمت حسابداری دادگاهی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۲): ۴۵-۶۰.

* فصیحی، صغری، حسینی، سیدعلی، مشایخ، شهناز. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر افشای ریسک بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش سرمایه‌گذاری، ۸(۳۱): ۳۵۵-۳۷۲.

* مولائی‌نژاد، عادل، عطادی، ابوذر. (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت‌بندی موانع و محدودیت‌های پیاده‌سازی پروژه حسابرسی مبتنی بر ریسک با استفاده از روش سلسله مراتبی فازی، مجله حسابرس، ۷۰(۲): ۶۸-۶۸.

* نمازی، محمد، ابراهیمی‌میمند، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی چگونگی افشای ریسک در گزارش سالانه

افشای ریسک در بین ۵۰ شرکت برتر می‌تواند به ایجاد انگیزه‌ی بیشتر در شرکت‌ها باهدف توسعه ابعاد حسابداری قضایی منجر شود. به عبارت دیگر، تلاش نمایند تا از طریق توسعه‌ی نمادهای قابل فهم و مشترک در صنایع و شرکت‌های فعال در آن، به سرمایه‌گذاران در جهت ایجاد سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه نسبت به بازارهای پولی، انگیزه لازم را تزریق نمایند تا موجب پویایی اقتصادی و همراستای بازار سرمایه با استراتژی‌ها و چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی کشور، شود. همچنین پیشنهاد می‌شود، یکی از راهبردهای اساسی در بهبود وضعیت حمایت از منافع سهامداران، اصلاح قوانین و استانداردها موجود باهدف کاهش پیچ و خم‌های اداری باشد که این موضوع می‌تواند با تغییر احکام موردنظر در قانون تجارت، قانون آیین دادرسی مدنی و قوانین مرتبط دیگر به افزایش سطح نظارت‌های اثربخش‌تر در افشای ریسک شرکت‌ها منجر گردد. وجود این اصلاحات اساسی همچنین می‌تواند در قالب وضع قوانینی با عنوان کارکردهای حقوقی و قضایی حاکمیت شرکتی که مشتمل بر اتخاذ قواعدی در ارکان راهبری شرکت‌ها باهدف ارتقای سطح اثربخشی نظارت‌ها بر کارکردهای اطلاعاتی باشد، صورت پذیرد.

فهرست منابع

* برادران حسن‌زاده، رسول، محرومی، رامین. (۱۳۹۶). تأثیر افشای ریسک بر پیش‌بینی قیمت سهام به وسیله سود و ارزش شرکت‌ها، راهبرد مدیریت مالی، ۵(۴): ۱۸۹-۲۰۹.

* خیام‌پور، اکبر، خردیار، سینا، رضایی، فرزین، وطن‌پرست، محمدرضا. (۱۳۹۹). ارزیابی سودمندی افشاء مولفه‌های ریسک برسرعت تأثیراطلاعات در قیمت سهام، اقتصاد مالی، ۱۴(۵۰): ۱-۲۲.

* دیبانتی‌دیلمی، زهرا، سلطانی، اصغر، عمران، حامد. (۱۳۹۷). تدوین برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته حسابداری قضایی(دادگاهی) و ضد

- Journal of Accounting, Auditing & Finance, 30(2): 181-217
- * Gbegi, D. O., & Adebisi, J. F. (2013). The new fraud diamond model—how can it help forensic accountants in fraud investigation in Nigeria. *European Journal of Accounting Auditing and Fiancé Research*, 1(4): 129-138.
- * Gonidakis, F. K., Koutoupis, A. G., Tsamis, A. D., Agoraki, M. E., K. (2020). Risk disclosure in listed Greek companies: the effects of the financial crisis, *Accounting Research Journal*, 33(4/5): 615-633. <https://doi.org/10.1108/ARJ-03-2020-0050>
- * Gray, R. O. & Moussalli, S. D., (2006). Forensic Accounting and Auditing United Again: A Historical Perspective. *Journal of Business Issues*, 2: 15-24.
- * Guthrie, J., Manes Rossi, F., Orelli, R.L. and Nicolò, G. (2020). Investigating risk disclosures in Italian integrated reports, *Meditari Accountancy Research*, 28(6): 1149-1178. <https://doi.org/10.1108/MEDAR-10-2019-0596>
- * Hegazy, S., Sangster, A., Kotb, A. (2017). Mapping forensic accounting in the UK, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 28(3): 43-56. <https://doi.org/10.1016/j.intaccaudtax.2016.12.004>
- * Hrasaky, S., Smith, B. (2008). Concise corporate reporting: communication or symbolism?, *Corporate Communications: An International Journal*, 13(4): 418-432. <https://doi.org/10.1108/13563280810914847>
- * Huber, W. D. (2013). Should the forensic accounting profession be regulated? *Research in Accounting Regulation*, 25(1): 123-132. <https://doi.org/10.1016/j.racreg.2012.11.006>
- * Ismail, M. S., Noorani, M. S., Ismail, M., Razak, F. A., Alias, M. A. (2020). Predicting next day direction of stock price movement using machine learning methods with persistent homology: Evidence from Kuala Lumpur Stock Exchange, *Applied Soft Computing*, 93(4): 1-25. <https://doi.org/10.1016/j.asoc.2020.106422>
- * Kamarudin, K. A., Ariff, A. M., Jaafar, A. (2020). Investor protection, cross-listing and accounting quality, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 16(1): 100-179. <https://doi.org/10.1016/j.jcae.2019.100179>
- شرکت‌ها و عوامل موثر بر آن، دانش حسابداری مالی، ۳(۲): ۱-۲۹.
- * وفایی‌پور، روح اله. (۱۳۹۹). رابطه حسابداری قضایی با سلامت اقتصاد (پولشویی). فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۴(۳۱): ۳۵-۵۲
- * Abraham, S. and P. Cox. (2007). Analyzing the determinants of narrative risk information in UK FTSE 100 annual reports. *British Accounting Review*, 39(3): 227-248
- * Akinbowale, O.E., Klingelhöfer, H.E. and Zerihun, M.F. (2020). An innovative approach in combating economic crime using forensic accounting techniques, *Journal of Financial Crime*, 27(4): 1253-1271. <https://doi.org/10.1108/JFC-04-2020-0053>
- * Awolowo, I. F., (2014). The Relevance of Forensic Accounting in Mitigating the Audit Expectation Gap. s.l., University of Portsmouth.
- * Berggren, N., Bjornskov, Ch. (2020). Corruption, judicial accountability and inequality: Unfair procedures may benefit the worst-off, *Journal of Economic Behavior & Organization*, 170(2): 341-354. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2019.12.010>
- * Botes, V. and Saadeh, A. (2018). Exploring evidence to develop a nomenclature for forensic accounting, *Pacific Accounting Review*, 30(2): 135-154. <https://doi.org/10.1108/PAR-12-2016-0117>
- * Brown, J. R., Martinsson, G., Petersen, B. C. (2013). Law, Stock Markets, and Innovation. *Journal of Finance*, 68(3): 1517-1549. <https://doi.org/10.1111/jofi.12040>
- * Digabriele, J. A., Heitger, L., Riley, R. A. (2020). A Synthesis of Non-Fraud Forensic Accounting Research, *Journal of Forensic Accounting Research*, 19(34): 266-294. <https://doi.org/10.2308/JFAR-19-034>
- * Doxey, M. M., Hatfield, R. C., Rippey, J. A., Peel, K. R. (2020). Asymmetric Investor Materiality and the Effects of Disclosure, *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, 39(2): 27-50. <https://doi.org/10.2308/ajpt-18-032>
- * Elbannan, M. A., & Elbannan, M. A. (2015). Economic consequences of bank disclosure in the financial statements before and during the financial crisis: Evidence from Egypt.

- accounting, auditing and accountability, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 32 No. 2, pp. 508-530. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-07-2017-3029>
- * Reguera-Alvarado, N., Bravo-Urquiza, F. (2020). The impact of board diversity and voluntary risk disclosure on financial outcomes. A case for the manufacturing industry, *Gender in Management*, 35(5): 445-462. <https://doi.org/10.1108/GM-07-2018-0085>
- * Salem, I.H., Ayadi, S.D. and Hussainey, K. (2019). Corporate governance and risk disclosure quality: Tunisian evidence, *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 9(4): 567-602. <https://doi.org/10.1108/JAEE-01-2019-0005>
- * Shi, Y., Kim, J. B., Magnan, M, L. (2014). Voluntary Disclosure, Legal Institutions, and Firm Valuation: Evidence from U.S. Cross-Listed Foreign Firms, *Journal of International Accounting Research*, 13(2): 57-85. <https://doi.org/10.2308/jiar-50842>
- * Shivaani, M, V., Agarwal, N. (2020). Does competitive position of a firm affect the quality of risk disclosure?, *Pacific-Basin Finance Journal*, 61(2): 193-238. <https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2020.101317>
- * Slovic, P., Fischhoff, B., & Lichtenstein, S. (1981). Facts and fears, social perception of risk. *Advances in Consumer Research*, 8(1), 497-502
- * Yang, Ch, H., Lee, K, Ch. (2020). Developing a strategy map for forensic accounting with fraud risk management: An integrated balanced scorecard-based decision model, *Evaluation and Program Planning*, 80(4): 49-78. <https://doi.org/10.1016/j.evalprogplan.2020.101780>
- * Kuhn, T. (1962). *Structure of Scientific Revolutions*. Chicago: the University of Chicago Press.
- * Kumari Tiwari, R. and Debnath, J. (2017). Forensic accounting: a blend of knowledge", *Journal of Financial Regulation and Compliance*, 25(1): 73-85. <https://doi.org/10.1108/JFRC-05-2016-0043>
- * Leuz, Ch., Wysocki, P, D. (2016). The Economics of Disclosure and Financial Reporting Regulation: Evidence and Suggestions for Future Research, *Journal of Accounting Research*, 54(2): 525-622. <https://doi.org/10.1111/1475-679X.12115>
- * Linsley, P, M., Shrives, P, J. (2005). Examining risk reporting in UK public companies, *Journal of Risk Finance*, 6(4): 292-305.
- * Linsley, P. M., Shrives, P. J. (2006). Risk reporting: A study of risk disclosures in the annual reports of UK companies. *The British Accounting Review*, 38(4): 387-404.
- * Linsmeier, T, J., Thornton, D, B., Venkatachalam, M., Welker, M. (2002). The effect of mandated market risk disclosures on trading volume sensitivity to interest rate, exchange rate and commodity price movements, *Accounting Review*, 77(2): 343-377.
- * Miihkinen, A. (2012). What drives the quality of firm risk disclosure? *The International Journal of Accounting*, 47(4), 437-468
- * Miihkinen, A. (2013). The usefulness of firm risk disclosures under different firm riskiness, investor-interest, and market conditions: New evidence from Finland. *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, 29(2), 312-331.
- * Modell, S. (2010). Bridging the paradigm divide in management accounting research: The role of mixed methods approaches, *Management Accounting Research*, 21(2): 124-129. <https://doi.org/10.1016/j.mar.2010.02.005>
- * Nahar, S., Azim, M, I., Hossain, M, M. (2020). Risk disclosure and risk governance characteristics: evidence from a developing economy, *International Journal of Accounting & Information Management*, 28(4): 577-605. <https://doi.org/10.1108/IJAIM-07-2019-0083>
- * Phiri, J. and Guven-Uslu, P. (2019). Social networks, corruption and institutions of

یادداشت‌ها

¹ Kamarudin et al

² Gray & Moussalli

³ Awolowo

⁴ Forensic Accounting

⁵ Judicial Accounting

⁶ Phiri & Guven-Uslu

⁷ Kumari Tiwari & Debnath

⁸ Slovic et al

⁹ Doxey et al

¹⁰ Shi et al

¹¹ Miihkinen

¹² Leuz & Wysocki

¹³ Gbegi & Adebisi



- ¹⁴ January Effect
- ¹⁵ Hrasky & Smith
- ¹⁶ Abraham & Cox
- ¹⁷ Guthrie et al
- ¹⁸ Salem et al
- ¹⁹ Nahar et al
- ²⁰ Linsley & Shrives
- ²¹ Reguera-Alvarado & Bravo-Urquiza
- ²² Linsmeier et al
- ²³ James
- ²⁴ Dong
- ²⁵ Singleton & Singleton
- ²⁶ ACFE
- ²⁷ AICPA
- ²⁸ Modell
- ²⁹ Kuhn
- ³⁰ Yang & Lee
- ³¹ Hegazy et al
- ³² Brown et al
- ³³ Shivaani & Agarwal
- ³⁴ Berggren & Bjornskov
- ³⁵ Huber
- ³⁶ Ismail et al
- ³⁷ Gonidakis et al
- ³⁸ Botes and Saadeh
- ³⁹ Skills of Forensic Accounting
- ⁴⁰ Tools and Procedures Used in Forensic Accounting
- ⁴¹ Legal Knowledge and the Fields of Forensic Accounting
- ⁴² Miihkinen
- ⁴³ Linsley & Shrives
- ⁴⁴ Elbannan & Elbannan
- ⁴⁵ Fornell & Larcker
- ⁴⁶ Goodness of Fit
- ⁴⁷ Akinbowale et al
- ⁴⁸ Digabriele et al
- ⁴⁹ AICPA